وطن امروز

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز: مهرداد بذرپاش

مدیرمسوول: محمد آخوندی سردبیر: رضا شکیبایی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج) کوچه سعید، پلاک ۹

روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۸۳

نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷ پیام‌گیر: ۶۶۴۱۳۹۴۲

سازمان آگهی‌ها: ۶۱۰۸۶۱۶۳

پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir

چاپ: شرکت رواق روشن مهر

افق

اذان ظهر:	۱۳:۱۰	غروب آفتاب:	۲۰:۵۴
اذان مغرب:	۲۰:۱۳	نیمه‌شب شرعی:	۰۰:۲۲
اذان صبح فردا:	۴:۵۳	طلوع آفتاب:	۶:۲۴

کلام نور

در شگفتم از کسی که
فرصت استغفار دارد و ناامید می‌شود.
حضرت علی(ع)

نگاه

چرا منتقدان بمباران می‌شوند؟

ادامه از صفحه اول

...چرا که مسائل کشور با خودزنی و داد زدن بر سر مردم و نویسندگان و تحلیلگران حل نمی‌شود، بلکه راه‌حل مسائل کشور روی‌آوردن به تجدیدنظرطلبی در رویه‌های پوسیده در اقتصاد لیبرالیستی، رویه‌های غیرانقلابی و سازشکارانه در سیاست خارجی، حفظ مواضع اصلی و عزت و مصلحت و حکمت در مناسبات بین‌المللی و اتکا به ظرفیت‌ها و دارایی‌های درونی ملت ایران است. طبیعتا وقتی تمام برنامه‌های یک دولت براساس جدولی از محاسبات رویاپردازانه و غلط درباره پیشرفت مذاکرات هسته‌ای تنظیم می‌شود، باید هم شاهد فریادزدن این احساس شدید سرخوردگی سیاسی و در واقع افسردگی و ناامیدی از کنترل فضای سیاسی طی ۳ سال باقیمانده بود اما درمان این وضعیت پناه بردن به روش‌های غیرمحترمانه و توام با توهین و تحقیر دیگران نیست. به هرحال پیش از این نیز رئیس‌جمهور منتقدانش را «بی‌شناسنامه»، «کم‌سواد» و «شکاک» و... خوانده بود که این رویکرد حقیقتا در شأن یک مقام عالی در کشوری با عنوان جمهوری اسلامی ایران نیست.

یادداشت روز

عراق بر سبیل مردم‌سالاری

مالکی رفت تا بماند

ادامه از صفحه اول

حالا به قول «نیکولای ملادنوف» سفیر بلغار ویژه سازمان ملل در عراق، مالکی با کنار کشیدنش در برهه‌ای چنین حساس ثابت می‌کند «مرد سیاست» است، اگرچه شاید این اواخر نه این مرد سیاست و نه دولت مرکزی عراق اقتدار دولت نخست مالکی را نداشتند. «نفت» که طلای سیاهش می‌خوانند شاید بزرگ‌ترین آفت این دولت بود. گویی نفت اکسیر تفرقه است و مادام که از دل زمین می‌جوشد کارتل و مافیا و تضاد منافع می‌زاید. طی سال‌های پس از صدام و در سایه اشغال، اقتصاد نفتی عراق مانند بسیاری از کشورهای منطقه سیاست و جامعه را هم آلوده کرده بود. چنانکه یک تحلیلگر ارشد روس زمستان گذشته پس از امواج پیاپی سقوط و بحران در کشورهای همپیمان مسکو به پوتین توصیه کرده بود اگر واقعا به دنبال پیاده‌سازی یک هژمونی جهانی است، هر چه زودتر وابستگی آینده خود و کشورش را به نفت بکاهد. به گفته وی، جوشش ظاهرا بی‌پایان نفت و گاز از زیر زمین بود که صدام و قذافی و مبارک را مجنون قدرت و بعد زیرپایشان را خالی کرد، جلوتر از آن پای اشغالگران غربی را به منطقه باز کرد،باعث پدید آمدن ادعای خلافت عثمانی و بعد اموی شد و دولت نفتی عراق و شام را در مناطق نفتخیز عراق و سوریه علم کرد و حتی در مسیر خط انتقالش در اوکراین ۲ دولت متوالی غربگرا و شرق‌گرا را به سقوط کشاند. دولت دوران مالکی هم از این آفت نفتی مستثنا نبود و او که بیشتر سال‌های دیکتاتوری صدام را در کردستان بسر برده بود و روابط خانوادگی با سران کرد داشت و حتی مدرکش در ادبیات عربی را از دانشگاه اربیل گرفته بود، این اواخر بر سر منافع نفتی کرکوک با کردها دچار اختلافاتی چنان عمیق شده بود که به باند بارزانی بهانه داد تا ساز جدایی‌طلبی کوک کند.

خبر

نتیجه قطعی مذاکرات پیش از پایان مهلت ۴ ماهه بعید است

وزیر امور خارجه کشورمان با بیان اینکه درصورت دستیابی به توافق کلی در مذاکرات هسته‌ای برای بررسی جزئیات باز هم به زمان نیاز است، دستیابی به نتیجه قطعی پیش از ۴ ماه را بعید دانست.

به گزارش خانه ملت، محمد جواد ظریف در پاسخ به این سوال که آیا امکان دارد قبل از اتمام مهلت ۴ ماهه در مذاکرات هسته‌ای به نتیجه قطعی رسید، گفت: اگر توافق کلی در موضوعات مختلف مذاکرات هسته‌ای صورت بگیرد، باز هم نیاز به زمان وجود دارد تا جزئیات مذاکرات انجام شود.

وی با بیان اینکه مذاکرات هسته‌ای در مجموع رو به پیشرفت است، ادامه داد: از ابتدا اعتقاد داشته و داریم اگر اراده قوی از سوی غربی‌ها وجود داشته باشد، مذاکرات هسته‌ای خیلی زود به نتیجه می‌رسد.

مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای ایران افزود: با توجه به واقعیت‌هایی که در ۷ ماه گذشته از مذاکره با کشورهای ۱+۵ درک شد، احساس می‌شود طرف مقابل با احتیاط بیشتری حرکت کرده است.

■ قاب روز

آمریکا ـ ادامه ناآرامی‌ها برای پنجمین روز در شهر فرگوسن ایالت میسوری

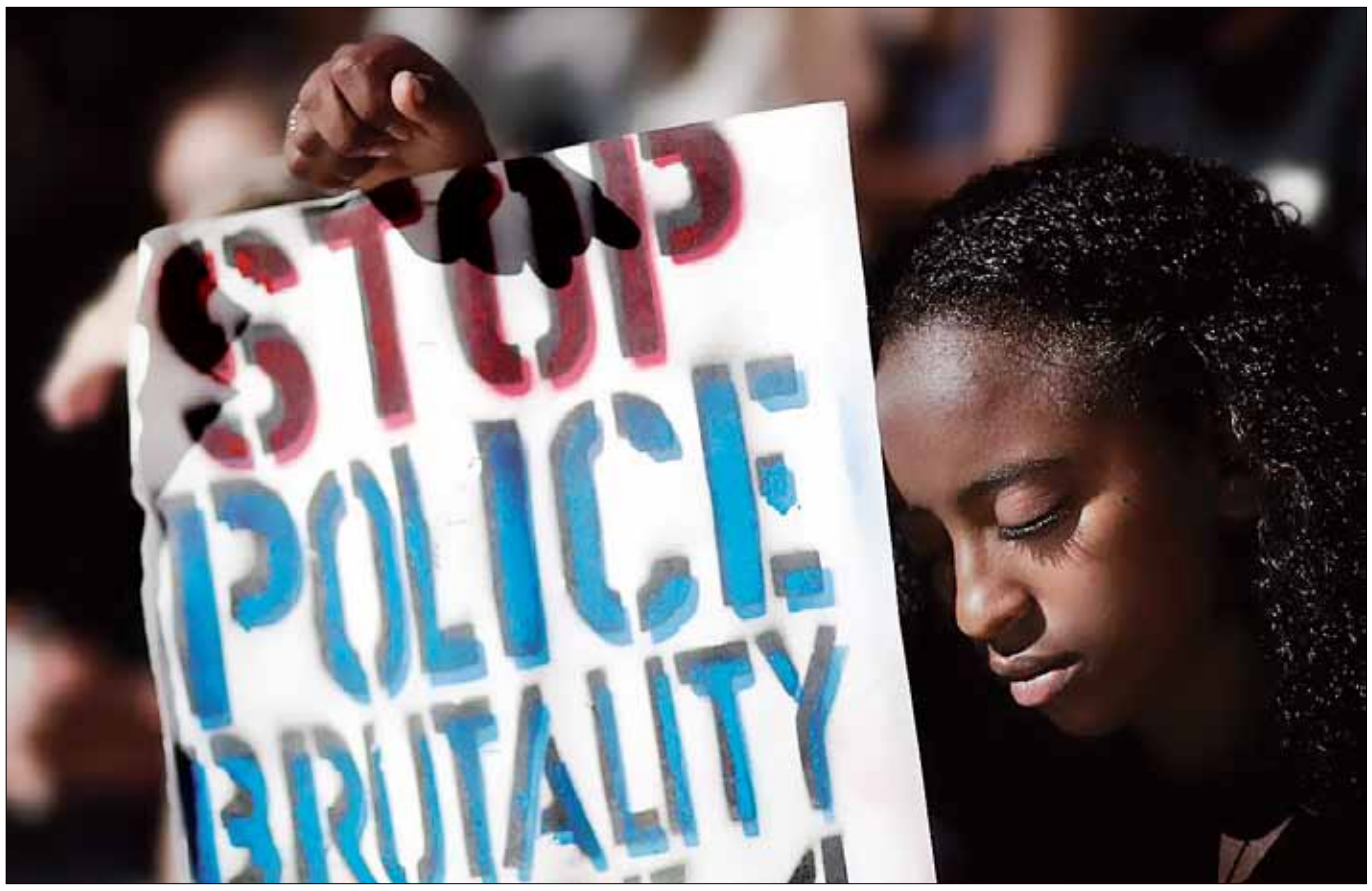

■ روزخند

در هر صورت «به جهنم!»

■ حسین قدیانی ■

ایشان مد ظله العالی خیلی خوب هست. و از این بهتر، نه که نشود اما خیلی کم و به‌ندرت ممکن بوده هست. ایشان منظورشان نقطه مقابل شیردل بوده هست و اینکه هم خدا عده‌ای را لرزان آفریده، تقصیر ایشان نبوده، بگذریم که تقصیر ما هم نبوده هست! این ایشان هست که فی‌الواقع بهار بوده هست! معجزه هزاره سوم کی هست؟ ایشان! کی به منتقدانش، بی‌سواد نگفته؟ ایشان! کی در توافق ژنو، براساس آنچه مرقوم داشته، دشمن را به اذعان بر حق غنی‌سازی مجبور کرده؟ ایشان! اون کی بود که گزینه‌های نظامی و تحریم و بی‌ادبی را از روی میز اوباما برداشت؟ ایشان! نگید که نمی‌دونستین! ایشان با مذاکره، کاری کرده هست که آمریکا در جریان جنگ غزه، مرتب اسرائیل را دعوا کرده هست! و طرف ایران را گرفته هست! الان اینقدر که اوباما همپیمان نوار غزه بوده هست، خود اسماعیل هنیه نبوده هست! و اینکه اوباما هر روز، نتانیاهو را دعوا کرده، گوش او را پیچانده است، منتج از مذاکره بوده هست! این روزها به خاطر بازی برد- برد در مذاکرات هسته‌ای، باراک اوباما در جبهه مقاومت علیه صهیونیست‌ها تعریف می‌شود! و گیرم هم نشود؛ «به جهنم! خب برن جایی که اوباما در جبهه این ور تعریف شه، نلرزن!» داشتم می‌نوشتم که: مذاکره خیلی خوب هست و باعث شکاف میان آمریکا و اسرائیل بوده هست! مذاکره محصول نگاه ایشان به کدخدا بوده هست. ایشان خیلی در مذاکره خوب بوده هست. و برعکس عده‌ای که از اول، لرزان آفریده بوده هست، ساختار تحریم توسط ایشان یعنی خود خودشان لرزیده شده هست. ایشان بیش از همه، نقد را پذیرا بوده، سفره محبت گسترانیده هست. ایشان دیروز جمعه، بیش از روز پنجشنبه، نقد را پذیرا بوده هست. ایشان فردا که یکشنبه بوده باشد، بیش از امروز که روز اول هفته باشد، نقد را پذیرا بوده هست و دیگر، روزهای آخر هفته ببین نقد را چگونه پذیرا بوده هست. اون دیگه اوجشه! و کلا اینطور هست که هر چه جلوتر می‌رود، ایشان بیشتر نقد را پذیرا بوده هست. تا اسم مقاومت روی منافع ملی می‌آید، ایشان اهل ایستادگی بوده هست، لیکن تا اسم مذاکره می‌آید، باز هم ایشان اهل ایستادگی بوده هست! ایشان را خداوند شیردل آفریده هست و البته خودشان هم نقش داشته هست. اگر خداوند، گِل من خاک بر سر را روی ویبره سرشته هست، اما ایشان را از همان ازل، علاوه بر شیردل، پذیرای نقد آفریده هست. اونی هم که ایشان، آن روز، آن ادبیات را به کار برده بوده هست، منظورشان منتقد نبوده هست، حتی منظورشان مخالف نبوده هست بلکه فقط منظورشان عده‌ای تخریب‌گر بوده هست. برخلاف کسانی که کلا آفرینش‌شان لرزان بوده هست، بعضی‌ها به مرور، این صفت تخریب‌گر را واجد شده هست. شوهرعمه من که در بیت‌المقدس ۲ به شهادت رسید، «تخریب‌گر» بوده هست. اصغرآقا در ارتش بوده هست و سرهنگ بوده هست و با شهید صیاد، هنگام رژه ارتش در زمان جنگ، عکس داشته هست اما الان در آسمان، «عند ربهم یرزقون» بوده هست. منتها منظور ایشان، این تخریب‌گران نبوده هست بلکه آن تخریب‌گرانی بوده هست که سال ۸۸ «خسرالدنیا و الاخره» وصفشان بوده هست. عده‌ای چون بچه‌های گردان تخریب، منافع دشمن را تخریب‌گر بوده هست -که ای کاش همه اینگونه تخریب‌گر بوده هست!- عده‌ای چون فتنه‌گران، منافع ملی دوست را تخریب‌گر بوده هست! نه فقط ایشان، که ما را هم عقیده بر این بوده هست که تخریب‌گران اموال عمومی، تخریب‌گران ۴۰ میلیون رای ملت، تخریب‌گران رای اکثریت، تخریب‌گران دموکراسی، تخریب‌گران نظم، تخریب‌گران اموال عمومی، تخریب‌گران امنیت و آرامش، تخریب‌گران روز عاشورا، تخریب‌گران خیمه عزای امام حسین(ع)، تخریب‌گران سنگ به دست نماز ظهر میدان جمهوری اسلامی، تخریب‌گران وجهه انقلاب اسلامی، تخریب‌گران سرگشاده، بلکه هم تخریب‌گران منافع ملی، تخریب‌گران استقلال ملی، تخریب‌گران خودکفایی، تخریب‌گران دستاوردهای هسته‌ای و تخریب‌گران غرور ملی، جایشان در جهنم بوده هست. بنابراین عبارت «به جهنم» خطاب به تخریب‌گران، بی‌اشکال بوده هست. و حقشان بوده هست. و ما از این موضع‌گیری قاطع ایشان علیه تخریب‌گران فتنه‌پرور ممنون بوده، حمایت کرده هست. هر چند که منظور ایشان از «به جهنم» هم، نه خود جهنم، که آن عبارت مقابل «بهشت» بوده هست! ایشان کلا یک جوری هست که اگر به کسی بددل بگوید، منظورشان آن عبارت مقابل خوب‌دل بوده هست! در همان سخنرانی هم، منظور از بزدل، آن عبارت مقابل شیردل بوده هست. و این تاکید خود ایشان بوده هست! ما یک وقت به کسی می‌گوییم؛ بز، اما منظور این بوده هست که او شیر نبوده هست، نه اینکه بی‌برو برگرد، بز بوده هست! حتی ما وقتی به کسی شیر می‌گوییم «گر چه باشد در نوشتن شیر، شیر» اما باید دید که منظور چی بوده هست؟! شیر جنگل بوده هست یا شیری که از گاو دوشیده می‌شود؟! جخت بلا همین شیر دوم، خودش بر ۲ نوع بوده هست؛ شیر با روغن پالم یا شیر بدون روغن پالم! پس به این راحتی‌ها نبوده هست که مدعی شویم ادبیات ایشان برازنده نبوده هست. آنکه به منتقد اهانت کرده هست، رئیس‌جمهور آمریکا بوده هست اما آنکه حق تخریب‌گران را کف دست‌شان گذاشته هست، ایشان بوده هست بویژه که آقای اوباما برخلاف ایشان، هیچ وقت نگفت؛ «منظور من از مزخرف، آن عبارت نقطه مقابل چیز بوده هست»! من فقط این وسط مانده‌ام که چرا «مودب و باهوش» از طرف ایشان نثار اوباما شده هست؟ این شاید نوعی تقیه بوده هست! یا هم شاید به خاطر «اعتدال» بوده هست! من الان گیج شده هست یا خدا مرا گیج آفریده؟... در هر صورت؛ به جهنم!

■ سلام وطن

پیامک: ۳۰۰۰۸۸/ تلفن: ۶۶۴۱۳۹۴۲

■ سخنان بی‌سابقه رئیس‌جمهور محترم خطاب به منتقدان‌شان، عجیب و شگفت‌آور بود ولی جالب‌تر و غریب‌تر از آن نوع برخورد برخی روزنامه‌های زنجیره‌ای با آن و سردرگمی و پارادوکسی بود که آنها به آن دچار شدند. فردای صحبت‌های ایشان، همه این نحوه سخن گفتن ایشان را به چالش کشیده و از آن ابراز ناراحتی کردند اما پس‌فردای این سخنان، اصلاح‌طلبان از این سخنرانی دفاع کردند! واقعاً چه می‌کنند و چه موضعی دارند؟!

احمدی

■ کارشناسان نخبه و کاربلد و اساتید بزرگ دانشگاه، نمایندگان مجلس و... و هر که منتقد توافق ضعیف و بی‌پشتوانه ژنو است، دلسوز است نه بزدل. آقای رئیس‌جمهور همین طور دارند عصبانی‌تر می‌شوند و حرف‌ها و اهانت‌های تندتری نسبت به منتقدان روا می‌دارند.

قادرپور

■ کسانی که دلسوزانه و از روی شفقت، دولت را به حفظ منافع ملی توصیه می‌کنند و از آمریکا و هیچ قدرت پوشالی دیگری نمی‌ترسند، بزدلند و کسانی که از روی غفلت و مرعوب شدن مقابل یک زن یک لاقبا مانند شرمن، توافقی شکننده و مغایر منافع ملی را پذیرفتند، شیردل. معنای کلمات ظاهراً عوض شده است!

نجمی

■ به جای پالس فرستادن برای دولت آمریکا که هر جور شده حاضر به توافقیم، بهتر است به پشتوانه ملت، محکم بایستند و مقتدرانه از حقوق علمی و هسته‌ای ملت و کشور دفاع کنند.

ضیائیان

■ آنم آرزوست/ ۱۵۱

نفاق عملی در مقام قدرت

■ حجت‌الاسلام والمسلمین سید سعید لواسانی ■

گفتیم نفاق دو نوع است، نفاق اعتقادی و نفاق عملی و بحث ما هم درباره نفاق عملی و لایه‌های پنهان آن است. معیار کلی نفاق آن است که منافق اهل خدعه و نیرنگ است، به خدا، به مردم و به خودش نیرنگ می‌زند و به تعبیر دقیق‌تر ظاهر و باطن او یکی نیست، او دارای دوچهره است. پس مسلمان و مومنی که ظاهر و باطنش با هم یکی نباشد، منافق به نفاق عملی است اما انسان گاهی در برابر خدا ظاهرش با باطنش سازگار نیست، و گاهی در برابر مردم چنین است و گاهی در دورن خود و دربرابر خود چنین است. فرض کنید مومنی را که اهل نماز و روزه و سایر اعمال عبادتی است، اما در عبادات خود، برای خدا خالص نیست، بلکه نیم‌نگاهی به مردم دارد که او را بپسندند، او گرفتار ریا و شرک خفی و نفاق عملی است و با خدا و خود خدعه می‌کند. یا کسی که برای اینکه به‌موقعیت اجتماعی یا سیاسی برسد، مثلاً نماینده مجلس شود، تلاش می‌کند در نظر مردم به‌گونه‌ای جلوه کند که نیست، منافق عملی است. یادمان نرفته است افرادی که خود را دکتر جا زدند و با مدرک جعلی دکترا به مناصبی هم رسیدند. این افراد با مردم خدعه کردند و البته خودشان را هم فریب دادند. **«إِنَّ الْمُنافِقِينَ يُخادِعُونَ اللهَ وَ هُوَ خادِعُهُم»** [نساء: ۱۴۲] منظور از اینکه خداوند هم با آنان خدعه می‌کند، آن است که خداوند نیرنگ آنان را به خودشان بازمی‌گرداند و همین باعث می‌شود آنان به خودشان زیان برسانند. آری! کسی که با دین خدا و نظام و جامعه اسلامی حیله بورزد، یعنی در صورت مومن به دین و در سیرت دین‌گریز باشد و اعتماد مردم را جلب کند اما امین و معتمد واقعی آنان نباشد، او در حقیقت گرفتار خودنیرنگی شده است و به خود زیان رسانده است. زیرا لطف خدا را از خود دور کرده و از اهداف الهی دور شده است و این معنای خدعه خداست، اگرنه خداوند با کسی خدعه نمی‌کند. [نگا: تفسیر تسنیم: ۱۸۷/۲۱ -۱۹۵]

این نکته را هم یادآور شوم که نیرنگ با خدا امکان ندارد زیرا خدایی که از ظاهر و باطن آدمی- بهتر از خودش- خبر دارد، با او نیرنگ امکان ندارد، بنابراین عنوان جامع **«يُخادِعُونَ اللهَ»** فریب نسبت به دین خدا و رهبران دینی و مومنان و جامعه ایمانی است. پس گروهی از ما گرفتار نفاق با خدا هستیم که نام آن را ریا می‌گذارند. صفتی مذموم را کمابیش آن را می‌شناسیم و فعلاً درباره آن صحبت نمی‌کنیم. گروهی از ما با خودمان در نفاق هستیم، این نفاقی بسیار سخت بوده و کار نفس مسوّله است که ما را از درون فریب می‌دهد و زشت را جای زیبا می‌نشاند و ما را به زشتی می‌کشاند. اصولاً انسانی که طالب دنیاست، همواره اسیر نفس است، گاهی با تصویرگری او را می‌فریبد و گاهی او را به بدی فرمان می‌دهد. فعلاً به این جنبه از نفاق هم کاری نداریم.

اما نفاقی که از آن باید بحث جدی‌تری کرد، نفاق با مومنان و مردم است. یعنی ظاهر و باطن انسان با مردم دوگونه باشد. وجه روشن آن در رفتار اجتماعی ما روشن می‌شود که در مقابل کسی به‌گونه‌ای هستیم و پشت‌سر او به‌گونه‌ای دیگر. یعنی در پیش‌رو، او را تأکید و تصدیق می‌کنیم و در پشت‌سر، او را تکذیب می‌کنیم. این نمونه روشن و بین آن است که همه می‌شناسیم اما این نوع نفاق به همین مقدار ختم نمی‌شود. بدتر از آن در نظام و جامعه اسلامی ظهور دارد. در کشوری که با انقلاب اسلامی بناست به سوی اهداف اسلامی حرکت کند، حضور فعال و تأثیرگذار در آن جز از راه اسلام و ایمان امکان ندارد یعنی کسانی که در این نظام و کشور خدمت می‌کنند، باید موصوف به ایمان و اسلام باشند. بنابراین افراد باید در شعارها و حرکت‌های خود، اعتقادات و باورهای اسلامی و انقلابی را نشان دهند. اما مشکل اینجاست که انسان به این باورها ایمان قلبی نداشته باشد و به مرور زمان و به دلیل شرایط روزگار و افکار و اندیشه‌های وارداتی و ظهور و بروز نفسانیت‌ها مجبور شود که با مردم خدعه کند و دم از امام و رهبری و انقلاب و اهداف آن بزند اما در گفتار پنهانی و عمل و رفتار هنگام قدرت - چه قدرت اجرایی و مدیریتی و چه قدرت رسانه‌ای - برخلاف اهداف اسلامی حرکت کند. و این فریب مردم است. به اسم اصلاح‌طلبی یا اصولگرایی، به سوی تجدیدنظری در اهداف و آرمان انقلاب و تحریف مکتب امام پیش برود، به نام خدمت به مردم با دشمنان مردم بسازد، با منتقدان با عناوین ناشایستی چون «بی‌سواد»، «بزدل»، «ترسو» سخن بگوید، او گرفتار خدعه با مردم است. توجه داشته باشید، بنده بنا ندارم که بحث سیاسی کنم، و به این فرد و آن فرد هم کاری ندارم، متاسفانه این نوع برخوردها در دولت‌های مختلف رواج داشته است. چه بسیار که در مسند قدرت؛ مردم بویژه نیروهای مومن و حزب‌اللهی که همواره پای انقلاب و نظام اسلامی با جان خود ایستاده‌اند، به هیچ گرفته می‌شوند و این نفاق عملی با مردم است.

پیامک خوانندگان ۳۰۰۰۸۸

www.vatanemrooz.ir

آب‌وهوا

اراک	۳۱ / ۱۸	زنجان	۲۹ / ۱۴
اردبیل	۲۶ / ۱۴	ساری	۳۲ / ۲۴
ارومیه	۳۳ / ۱۸	سمنان	۳۲ / ۲۴
اصفهان	۳۸ / ۲۲	سنندج	۴۱ / ۲۱
اهواز	۴۹ / ۳۳	شیراز	۳۹ / ۲۴
ایلام	۴۱ / ۲۱	شهرکرد	۳۶ / ۱۵
بجنورد	۳۲ / ۱۹	قزوین	۳۴ / ۱۸
بیرجند	۳۶ / ۲۱	قم	۳۹ / ۲۳
بندرعباس	۳۸ / ۳۱	کرج	۳۶ / ۲۲
بوشهر	۳۶ / ۲۹	کرمان	۳۶ / ۲۰
بوموسی	۳۷ / ۳۰	کرمانشاه	۴۱ / ۲۱
تبریز	۳۷ / ۳۰	گرگان	۳۳ / ۲۴
تهران	۳۸ / ۲۶	مشهد	۳۶ / ۲۲
خرم‌آباد	۴۳ / ۲۳	همدان	۳۷ / ۱۸
رشت	۳۳ / ۲۳	یاسوج	۳۸ / ۱۹
زاهدان	۴۰ / ۲۳	یزد	۴۱ / ۲۷

تقویم تاریخ

■ **اولین فرار محمدرضا پهلوی چند روز پیش از کودتای ۲۸ مرداد (۱۳۳۲ ش)**

شاه در ۲۲ مرداد ۱۳۳۲ حکم عزل مصدق و نخست‌وزیری سرلشکر زاهدی را صادر و خود پس از صدور فرمان، به رامسر عزیمت کرد. ساعت ۲ بامداد فرمانده گارد شاهنشاهی فرمان را به مصدق ابلاغ کرد ولی وی هنگام خروج از منزل بازداشت شد و رادیو تهران این اقدام را کودتا خواند. دراین هنگام شاه و همسرش با یک هواپیما از طریق عراق از ایران خارج شده و به ایتالیا رفتند. روزهای ۲۵ تا ۲۷ مرداد، در سراسر ایران اجتماعات بزرگی تشکیل و از دولت لغو نظام سلطنتی درخواست شد. تمام این حوادث به نفع دکتر مصدق پیش می‌رفت تا اینکه طبق نقشه قبلی، اوضاع از بامداد ۲۸ مرداد تغییر کرد و کودتا شکل گرفت. شاه نیز پس از دریافت خبر سقوط مصدق، ۳۱ مرداد همان سال به ایران بازگشت.

■ **تولد «ابن منده» محدث و فقیه ایرانی(۴۳۴ ق)**

ابوزکریا یحیی بن عبدالوهاب مشهور به ابن مَنده، محدث، فقیه و مورخ ایرانی‌تبار، آخرین فرد از خاندان ابن منده بود. او پس از کسب علوم متداول، از دانشمندان هر دیار و به دست آوردن مهارت در این علوم، به تدریس و تألیف پرداخت. دانشمندان بسیاری در بغداد از محضر درس او استفاده بردند که عبدالقادر گیلانی یکی از آنهاست. از این مورخ و محدث مسلمان، آثار زیادی بر جای مانده است که از میان آنها می‌توان به کتاب زندگینامه طبرانی اشاره کرد. ابن منده سرانجام در ذی‌حجه سال ۵۱۲ ق در ۷۸ سالگی در اصفهان وفات یافت و در همان شهر به خاک سپرده شد.

■ **تولد توماس لورنس، جاسوس انگلستان در کشورهای عربی (۱۸۸۸م)**

توماس ادوارد لورنس (۱۶ اوت ۱۸۸۸ - ۱۹ مه ۱۹۳۵) طی جنگ اول جهانی به عنوان رایزن نظامی انگلستان برای رهبران عرب حجاز کار می‌کرد. حجاز در آن زمان تحت تسلط ترک‌های عثمانی بود. ترکیه در جنگ اول جهانی متحد آلمان بود و به همین دلیل دشمن انگلستان محسوب می‌شد. در این دوران پادشاهی و امارت حجاز در دست شریف حسین بود و سرهنگ «لورنس» نماینده دولت انگلیس در دربار وی بود. در عربستان، لورنس فرهنگ اعراب را مطالعه می‌کرد و نه‌تنها زبان عربی را به خوبی فرا گرفته بود بلکه لهجه‌های قبایل مختلف را هم آموخت. او از پوشیدن لباس عربی و زندگی مثل مردان قبایل بیابانی احساس غرور می‌کرد و به همین دلیل هم لقب لورنس عربستان به او داده شد. در مشاهدات لورنس به نکات جالبی در فرهنگ عرب اشاره شده است. فیلم لورنس عربستان که در آن پیتر اوتول نقش لورنس را بازی می‌کند براساس زندگی وی در عربستان ساخته شده است.

■ **اوج‌گیری شورش سیاهان لس‌آنجلس در اعتراض به تبعیض نژادی (۱۹۶۵م)**

هرچند سیاهپوستان پس از ورود مهاجران در آمریکا حضور داشتند اما همواره مورد ظلم و ستم سفیدپوستان و نژادپرستان قرار می‌گرفتند. با این حال با توجه به مسائل سیاسی و برای بهره‌برداری از شعارهای دموکراسی و برابری، در سال ۱۸۶۳م اعلامیه آزادی بردگان منتشر شد اما ۹۰ سال بعد، در سال ۱۹۵۳م، تفکیک و جداسازی مدارس سیاهان و سفیدپوستان غیرقانونی اعلام شد البته تمام این مسائل در چارچوب نوشتارها باقی ماند و در مقام عمل بیشتر مواقع خلاف آن انجام شده است. در این میان در حالی که مقامات عالیرتبه شعار برابری و عدم تبعیض نسبت به سیاهان را سر می‌دادند از طرف دیگر، مقامات محلی و ایالتی، همچنان به سختگیری نسبت به آنها دست می‌زدند. با گسترده‌تر شدن این اقدامات، از اوایل سال ۱۹۶۳م، مبارزه بزرگ حقوق مدنی به رهبری مارتین لوترکینگ رهبر سیاهان آغاز شد که با سرکوبی و بازداشت بسیاری از سیاهان مواجه شد. این اعتراضات در آگوست ۱۹۶۵م به اوج خود رسید تا آنجا که در لس‌آنجلس، چندین هزار نقطه به آتش کشیده شد و حدود ۲۰۰ میلیون دلار خسارت به بار آورد. هرچند پس از این اعتراضات، قسمتی از تبعیضات علیه سیاهپوستان کم شد اما سیاست‌های تبعیض‌نژادانه سران در مقام عمل همچنان ادامه دارد.